

تا طلاق نگرفتند کتاب نوشتند

تحلیل‌هایی از جامعه ایران

مقدمه	۱
فصل اول: جامعه ایران در گذر زمان	۱۰
فصل دوم: تحولات اجتماعی و فرهنگی	۲۰
فصل سوم: وضعیت اقتصادی و معیشتی	۳۰
فصل چهارم: مسائل اجتماعی و فرهنگی	۴۰
فصل پنجم: مسائل اقتصادی و معیشتی	۵۰
فصل ششم: مسائل سیاسی و اجتماعی	۶۰
فصل هفتم: مسائل فرهنگی و اجتماعی	۷۰
فصل هشتم: مسائل اقتصادی و معیشتی	۸۰
فصل نهم: مسائل اجتماعی و فرهنگی	۹۰
فصل دهم: مسائل اقتصادی و معیشتی	۱۰۰

فردین علیخواه



۱۰۵۱ تصور کنید
 ۱۰۵۲ همان حضور باعث خیریت می شود
 ۱۰۵۳ من هم از آن هستم
 ۱۰۵۴ در میان آنکه در میان آنکه در میان آنکه
 ۱۰۵۵ پس از ملاقات به حال خود رها شد
 ۱۰۵۶ کسی را که در میان آنکه در میان آنکه
 ۱۰۵۷ حال خسته فانی
 ۱۰۵۸ من از آن هستم
 ۱۰۵۹ من از آن هستم
 ۱۰۶۰ من از آن هستم
 ۱۰۶۱ من از آن هستم
 ۱۰۶۲ من از آن هستم
 ۱۰۶۳ من از آن هستم
 ۱۰۶۴ من از آن هستم
 ۱۰۶۵ من از آن هستم
 ۱۰۶۶ من از آن هستم
 ۱۰۶۷ من از آن هستم
 ۱۰۶۸ من از آن هستم
 ۱۰۶۹ من از آن هستم
 ۱۰۷۰ من از آن هستم

- ۱۱ مردان جهان، دارید از دست می روید
- ۱۴ «به من خیره نشوید، من بدنم را دوست دارم»
- ۱۸ الله، علی (ع)، آقاجون: ما و قصه عکس های مان
- ۲۱ جامعه بخرو پیر!
- ۲۴ چی به نام کی بشه؟
- ۲۷ از کاسه توالت تا دیوارهای بی حیای امروزی!
- ۳۰ این روزها آدم بددل چه کسی است؟
- ۳۴ وقتی عکس همسرم را زیر سینی چای پنهان کردم!
- ۳۷ اهل مد هستم، چون می خواهم متفاوت به نظر برسم!
- ۴۰ آیا شما هم آدم بی عرضه ای هستید؟
- ۴۳ آشپزخانه در حال بلعیدن اتاق پذیرایی است
- ۴۶ آیا شاهد ظهور جوانان «تری این وان» هستیم؟
- ۴۹ در دیزی باز است و دیگر حیایی برای گربه نمانده
- ۵۲ رقصنده با غم

- ۵۴ اهمیت یک چرای ساده
- ۵۵ «قوز نکن پدرسگ!»
- ۵۷ می‌خواهم تک ستارهٔ صحنه باشم
- ۶۰ مجید سمیعی جاودان یا توران میرهادی شادروان: به بچه‌هامون چی بگیم؟
- ۶۳ واویلا لیلی! دوست دارم خیلی؟
- ۶۶ سیبل بی سیبل
- ۶۹ رو بیست من بیست نیاد
- ۷۲ فحش و مشمت، آسان‌ترین شیوهٔ حل اختلاف
- ۷۴ به فکر آیندهٔ من هم باش
- ۷۷ تا طلاق نگرفتند کتاب ننوشتند
- ۷۹ هنرنمایی پرشیا در سواحل آنتالیا
- ۸۱ تنوع در سبک و رنگ لباس: قوت یا ضعف جامعهٔ ایرانی؟!
- ۸۳ بله، شستن لباس‌های چرک؛ مسئله این است
- ۸۶ و من مدام تصمیم می‌گرفتم و صدایی در گوشم می‌پیچید
- ۸۹ پس چرا کارتن‌خواب‌ها شلوار جین پوشیده‌اند؟
- ۹۴ وقتی با موبایل بی‌زمان و بی‌مکان شدیم
- ۹۷ فرزندان «والدین هلی‌کوپتری» و طعم واقعی استقلال
- ۱۰۰ به خانه برمی‌گردیم؟!
- ۱۰۳ خدایا این جوک‌ها را از ما بگیر!
- ۱۰۵ همه لقب «استاد» نمی‌گیرند
- ۱۰۷ چرا بعضی از ایرانی‌ها از پلیس می‌ترسند؟
- ۱۱۰ کاری مزاحم به نام پلک زدن!
- ۱۱۴ کافی است تصمیم بگیرید سنتی نباشید و بعد...
- ۱۱۷ پول از شما، مدرن شدن از من!
- ۱۲۰ بابا شعر بخون

- فقط تصور کنید!
- ۱۲۲
- آیا آدم‌های مشهور باعث خسوف می‌شوند؟
- ۱۲۴
- «ببین، من هم این جا هستم.»
- ۱۲۷
- دوستان حلالم کنید: سلفی با مرگ
- ۱۳۰
- دنیای پس از طلاق به حال خود رها شده
- ۱۳۳
- به همسر، مادر یا خواهرش فحش می‌دهیم!
- ۱۳۶
- کودکان عاقل، جامعه غافل!
- ۱۳۹
- «سهم من از دنیا فقط بدبختی‌های او نه»
- ۱۴۲
- داشتن تخت پرستیژ می‌آورد
- ۱۴۵
- پیژامه آبی، زیر پیراهن سفید، خداحافظ
- ۱۴۸
- واعظان کاین جلوه در فیسبوک و اینستا می‌کنند...
- ۱۵۱
- فهرست نام‌ها
- ۱۵۴

مردان جهان، دارید از دست می‌روید

در بانک نشسته‌ام و منتظرم دستگاه نوبت‌خوان شماره‌ام را اعلام کند. در مقابل باجه شماره ۳، زن و مردی تقریباً سی‌ساله نشسته‌اند. هر بار که کارمند بانک چیزی می‌گوید، چشم‌های مرد گرد می‌شود، به صورت زن نگاه می‌کند و به آرامی می‌پرسد: «چی می‌گه؟» گوش‌هایش سنگین نیست — اعتماد به نفس ندارد. زن اعتماد به نفس دارد و خوب حرف می‌زند و نقش دیلماج شوهرش را ایفا می‌کند. این روزها موقع عبور از مقابل فروشگاه‌های مختلف شهر، می‌بینم که زنان در حال حرف زدن با فروشندگان هستند و شوهران‌شان در حالی که حدود نیم متر عقب‌تر ایستاده‌اند فقط سر تکان می‌دهند. زنان از فروشگاه‌ها کاتالوگ می‌گیرند و با دقت آن‌ها را می‌خوانند. ظاهراً این روزها این زنان‌اند که می‌دانند کابینت آشپزخانه چگونه باشد بهتر است، خرید کدام خودرو باصرفه‌تر است، آداب رفتار در رستوران چگونه است و با گارسون چگونه باید حرف زد، با توجه به بودجه خانواده سفر به کدام کشورها باصرفه‌تر است و منظور کارمندان آژانس‌های مسافرتی از برخی اصطلاحات فنی چیست، برای بیماری‌های مختلف مصرف کدام داروها بهتر است، فیلم‌های خوب سینماها کدام‌اند و بچه‌ها برای رشد بهتر به چه کلاس‌هایی نیاز دارند. اساساً گویی زنان قواعد